

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

یکشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۵ • ۱۱ صفر ۱۴۴۸ • ۲۶ جولای ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۸۰۵۴۳۶ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۴ • اذان صبح فردا ۳:۲۹ • طلوع آفتاب ۵:۰۸



با آغاز اجرای برنامه خاموشی از ۲۱ تیرماه ۱۴۰۵ و ابلاغ بخش‌نامه تعطیلی واحدهای صنعتی از سوی اتاق اصناف مشهد، بازار شهر مشهد هر روز در ساعاتی از بعدازظهر چهارهای متفاوت به خود می‌گیرد. بسیاری از کسبه می‌گویند خاموشی‌ها از ساعت ۱۴ تا ۱۷ ادامه پیدا می‌کند، در حالی‌که شرکت توزیع برق باره زمانی ۱۴ تا ۱۶ را بعنوان زمان قطع برق اعلام کرده است.

عکس: سیده مهاجر، ايسنا

instagram:sharghdaily1 • twitter:sharghdaily • youtube:sharghdaily • Telegram:SharghDaily • aparat:tasvirshargh • www.sharghdaily.com

یاد

برای اکبرعبدی

دراوج آسمان ویادآور دوران طلایی

محمدهادی جعفرپور

در روزگار غریب فاصله‌ها، آنجا که نام و شهرت، میان هنرمند و مردم دیواری بلند می‌کشد، اکبر عبدی از تیار نادر باران بود؛ آمد، بارید و هرگز خود را از خاکی که بر آن قدم می‌گذاشت، جدا ندانست. او نه‌فقط با هزارچهرگی نقش‌هایش، بلکه با زلال سادگی و بی‌تکلف‌بودنش، در تالار آینه خاطرات ایرانیان جاودانه شد.

او سال‌ها، لیخند را همچون فانوسی در تاریکی، میهمان خانه‌هایی‌کرد که سهمشان از روزگار، دشواری بود و صبوری. مردم در آینه هنر، او لحظه‌ای از اندوه زمانه فاصله می‌گرفتند و نفس تازه می‌کردند. با این حال، آنچه نام او را بر لوح دل‌ها حک کرد، تنها شبعیده بازیگری‌اش نبود؛ را او در این بود که نبض درد مردم را در دست داشت. او رنج معیشت و بغض‌های فروخورده کوچ‌ه و بازار را با پوست و استخوان لمس می‌کرد و صدایی بی‌پروا و صادق برای دردهای مکو بود.

اکبر عبیدی به ما نشان داد که می‌توان در اوج آسمان سینما درخشید، اما همچنان بوی خاک و نان گرم داد. از همین رو است که با شنیدن نام او، قاب‌های مجلل سلبریتی‌های امروزی در ذهن رنگ می‌یازد و در عوض، تصویر صمیمی یک هنرمند اصیل، یک «همسایه» و یک همدل قدیمی جان می‌گیرد؛ کسی که خنده‌ها را از ته دل به میلیون‌ها انسان هدیه داد و شناسنامه‌ای از عشق و تصویر برای سینمای این مروزبوم نوشت.

هنر، همان معجزه‌ای است که مرز میان بودن و نبودن را برمی‌دارد. جان‌های شیفته و هنرمندان بزرگ، حتی در خلوت‌گرزنی و دوری از صحنه نیز در تاروپود نقش‌هایی که آفریده‌اند نقش می‌کشند. آنها در واژه‌ها و دیالوگ‌هایی که در ذهنمان حک شده، در اشک‌هایی که با هم ریخته‌ایم و در خنده‌هایی که در گلویمان شگفته، زنده و پابرجا می‌مانند.

او رفیق دیرین و همراه چند نسل خسته و امیدوار، با کارنامه‌ای درخشان از جنس خاطره‌سازی، همواره جزئی از تاریخ زنده و پویای هنر ماست. یادآور دوران طلایی محله‌های صمیمی و سینمای بی‌شیشه‌خرده؛ سینمایی که در آن، بزرگان تصویر با تمام وجودشان برای دل مردم مایه می‌گذاشتند.

چه خوش گفتار است یادآوری این حقیقت که؛ باید قدر آینه‌ها را تا زمان تماشا دانست. قدر آنان که بی‌هیاهو و بی‌منت، خشتی از خاطرات جمعی یک ملت را روی هم گذاشتند و آسمان را نه در حواشی گذرای روزگار، بلکه بر پشته ماندگار هنر نگاشتند.

علم‌خوانی

کنترل هوش مصنوعی ازدست می‌رود

ایلان ماسک، مدیرعامل اسپیس ایکس و یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های فناوری جهان، در تازه‌ترین اظهارات خود تصویری متفاوت از آینده هوش مصنوعی ارائه کرده است؛ آینده‌ای که به گفته او می‌تواند قواعد اقتصاد، زندگی انسان و حتی مفهوم کنترل بر فناوری را به‌طور کامل دگرگون کند.

ماسک در این گفت‌وگو هشدار داد که در ۱۰ سال آینده، هوش مصنوعی آن‌قدر پیشرفت خواهد کرد که انسان عملاً کنترل کامل بر این فناوری را از دست می‌دهد. به اعتقاد او، تنها ویژگی‌ای که همچنان در انحصار انسان باقی می‌ماند، «انسان‌بودن» است. مدیرعامل اسپیس ایکس همچنین پیش‌بینی کرد با گسترش هوش مصنوعی و رباتیک، بسیاری از مفاهیم اقتصادی امروز دست‌خوش تغییر خواهند شد و پول دیگر نقش و اهمیت فعلی خود را نخواهد داشت؛ زیرا تولید کالا و ارائه خدمات با هزینه‌ای بسیار ناچیز امکان‌پذیر می‌شود. ماسک که در سال‌های اخیر بارها درباره فرصت‌ها و تهدیدهای هوش مصنوعی هشدار داده، بار دیگر بر ضرورت توسعه ایمن این فناوری و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر تاکید کرد؛ موضوعی که به گفته بسیاری از کارشناسان، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهان در دهه آینده تبدیل خواهد شد.

آنچه از سخنان علنی رئیس‌جمهور و روایت‌های منتشرشده از جلسات هیئت دولت برمی‌آید، نشان می‌دهد عملکرد مسئله‌ساز و آزادرنده صدوسیما وارد مرحله تازه‌ای شده است. وقتی مسعود پزشکیان ناچار می‌شود نسبت به القای شکاف میان دولت و نیروهای نظامی از سوی رسانه رسمی کشور هشدار دهد و هم‌زمان خبرهایی از تذکر صریح و کم‌سابقه او به رئیس سازمان صدوسیما منتشر می‌شود، دیگر نمی‌توان ماجرا را به یک سو-تفاهم تقلیل داد. واقعا صدوسیما در حال اجرای کدام سیاست است؟ اگر این سازمان خود را متعهد به راهبردهای کلان نظام، مصوبات نهادهای عالی و تقویت انسجام ملی می‌داند، این حجم از تعارض با نظام حکمرانی، سانسور مسئولان رسمی، دامن‌زدن به دوگانه‌های سیاسی و تولید روایت‌های اختلاف‌برانگیز را چگونه می‌توان توضیح داد؟ مسئله به یک رویکرد بازمی‌گردد که از زمان استقرار تیم جلیبی- جلیلی بر صدوسیما، این سازمان را بیش از گذشته از جایگاه رسانه ملی دور کرده و به رسانه یک جریان سیاسی خاص نزدیک کرده است. نتیجه این سیاست مخرب در هر می‌توان در افول بی‌سابقه اعتماد عمومی، سقوط مرجعیت خبری، کوچ مخاطبان به رسانه‌های فارسی‌زبان خارج و فرسایش تدریجی انسجام ملی مشاهده کرد. این روند اگر متوقف نشود، هزینه‌های آن حتما متوجه کل نظام حکمرانی و امنیت ملی کشور خواهد شد.

صدوسیما سال‌ها پیش از آنکه غالب مخاطبانش را از دست بدهد، هویت ملی خود را از دست داد. سازمانی که باید رسانه همه ایرانیان باشد، به رسانه جریان‌محور تقلیل یافت. در چنین وضعیتی، طبیعی است که بخش بزرگی از جامعه نه خود را در قاب تلویزیون ببیند و نه صدای خود را از آن بشنود. مهم‌ترین سرمایه یک رسانه، اعتماد است. بودجه، فرستنده‌های قدرتمند و انحصار قانونی اهمیت دارد، اما اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که رسانه سه ویژگی «شفافیت»، «صداقت» و «استقلال حرفه‌ای» داشته باشد که متأسفانه صدوسیما در هر سه مؤلفه با کاستی روبه‌رو است. به راستی روایتی که امروز از رسانه ملی منتشر می‌شود، روایت پیروزی و امید به آینده است؟ آیا خروجی برنامه‌های آن، افزایش اعتماد مردم به مسئولان است؟ آیا نتیجه این برنامه‌ها، تقویت انسجام ملی در خیابان است؟ آیا صدوسیما خود را موظف به پشتیبانی از راهبردهای کلان نظام می‌داند یا...؟ مدیریت را



قادر باستانی‌تبریزی

باید با محصولش سنجید، نه با ادعایش. این همه سخن از دین‌داری و انقلابی‌گری گفته شد، اما حاصل آن در قاب تلویزیون چیست؟ کدام سریال دینی با انقلابی ماندگار، کدام شخصیت محبوب و کدام روایت اثرگذار در این چند سال ساخته شده است؟ در شرایطی که پس از جنگ، کم‌نظیرترین سطح انسجام ملی حول ایران و پرچم شکل گرفته بود، چرا صدوسیما به جای تقویت این سرمایه ملی، پرچم دیگری برافراشت؟ مگر در این مقطع، مهم‌تر از حفظ و تقویت این انسجام، وظیفه‌ای برای رسانه ملی وجود داشت؟ چرا به جای آنکه زبان مشترک همه ایرانیان باشد، ترجمان یک جریان سیاسی متحجر شده است؟ در شرایط جنگ و بحران، رسانه ملی باید مهم‌ترین سنگر آرامش روانی جامعه باشد. باید اختلاف‌ها را مدیریت کند، نه آنکه خودش با کلک‌سیونی از کارشناسان تندرو، تولید تنش و تفرقه کند. صدوسیما باید روایت مشترک ملی بسازد، نه مرزبندی‌های سیاسی بکشد. تولید برنامه‌های اختلاف‌ساز، دعوت مکرر از چهره‌های رادیکال، حذف یا سانسور دیدگاه‌های متفاوت، تکرار تحلیلمان ثابت و بازتولید ادبیات تفرقه‌ساز، این رسانه را از مأموریت اصلی خود دور کرده است. صدوسیما گمان می‌کند وظیفه‌اش تبلیغات فردی است، در حالی‌که مخاطب امروز، تبلیغات یک‌طرفه را به‌سرعت تشخیص می‌دهد. تبلیغ زمانی اثرگذار است که بر پایه واقعیت بنا شود. آرزوفروشی، بزرگ‌نمایی و تحلیل‌های یک‌سویه، امید تولید نمی‌کند و به بی‌اعتمادی دامن می‌زند. مشکل دیگر، یکنواختی خسته‌کننده برنامه‌هاست. همان چهره‌ها، همان تحلیلگران، همان میزگردها و همان ادبیات سخیف، شب به شب تکرار می‌شوند؛ گویی تلویزیون به باشگاه خصوصی چند کارشناس خاص تبدیل شده است. رسانه‌ای که از تنوع فکری، اجتماعی، قومی، نسلی

برزگرداشت

برای اکبر عبیدی که خاطره خوب ماست

کاش این بار دیر می‌کرد

استعداد س‌ر آخ‌ر چنان که باید به سراجمک نرسید. قدرش ندانستند با خودش هم دستی داشت و کوتاهی کرد؟ که حتما دست داشت و حتما کوتاهی کرد و همه چیز فقط گردن دیگران و شرایط نیست و چه خود آدم گاهی نه بگوید و اگر آدم اکبر عبیدی باشد، لازم است که نه رساتری بگوید. البته که اگر سینمای ما هنوز سینما بود و گردن‌گلفت‌ها بودند و اجازه داشتند



۳۴ میلیون نفر

با وجود ثبت رشد ۶۱درصدی بارش‌ها نسبت به سال گذشته، تداوم خشک‌سالی و توزیع نامتوازن بارش‌ها باعث شده مدیریت تنش آبی برای ۳۴ میلیون نفر در ۵۸ شهر کشور همچنان در اولویت باشد؛ موضوعی که نشان می‌دهد افزایش بارندگی به‌تنهایی نتوانست آثار کم‌آبی انباشته سال‌های گذشته را جبران کند. با توجه به انباشت کسری مخازن آب زیرزمینی، بارندگی‌های امسال نیز نتوانست کم‌آبی‌های انباشته را جبران کند و نگرانی‌ها درباره وضعیت منابع آب همچنان پابرجاست. در حال حاضر ۱۲ استان کشور در شرایط زیر نرمال قرار دارند. تداوم کم‌بارشی در این استان‌ها می‌تواند به کاهش تولید آب در ماه‌های آینده، افت رواناب‌های سطحی، کاهش ورودی سد‌ها و افزایش فشار بر منابع آب زیر‌زمینی منجر شود و در نهایت تأمین آب در بخش‌های مختلف مصرف را با چالش مواجه کند.

یادداشت

نامه‌ای به رئیس‌جمهور



یدالله اسلامی

آقای رئیس‌جمهور، با درود و آرزوی سربلندی ملت بزرگ و سرزمین کهن ایران‌زمین. می‌دانم که در تله جنگی ناخواسته گرفتار آمده‌ای، می‌دانم که سیمای ملی هم روی خوشی به شما نشان نمی‌دهد. شما شجاعت امضای تفاهم‌نامه‌ای را که به سود ایران و در مسیر رهایی از جنگ بود، داشتید. شجاعت گفتن از دشواری‌ها و سختی‌ها و ناکامی‌ها را نشان دادی. آنچه امروز می‌گذرد، فردای ایران را می‌سازد. آنچه امروز در معرض ویرانی است، دسترنج سال‌ها کار و تلاش و هزینه‌های بسیار است. امروز ایران به شجاعت صلح نیازمندتر است تا تداوم جنگ. مهم‌ترین مسئله امروز، رهایی از جنگ ویرانگر و فرصت سرمایه‌گذاری و توسعه کشور است. هر روز که دیرتر صلح حاکم شود، بخش بیشتری از سرمایه‌های انسانی و منابع مادی و زیرساخت‌های کشور دستخوش آسیب می‌شود. پایان هر جنگی، صلح و سازش است. هرچه سازش زودتر شکل بگیرد، در آسیب‌های بیشتر پیشگیری می‌شود. جناب رئیس‌جمهور تاریخ بار سنگینی را بر دوش شما گذاشته است؛ دشوارترین مسئولیت در مهم‌ترین بزنگاه و حساس‌ترین موقعیت تاریخی. برای ایران و ماندگاری ایران و کاستن از درد و رنج مردمان گاهی باید از آبرو مایه گذاشت. از آبروگذشتن دشوارتر است تا از جان گذشتن. گفت‌وگو با بدون واسطه با آمریکا می‌تواند مسیر کنونی را تغییر دهد. این شیوه رفتاری نقشه‌های جنگ‌طلبان و به‌ویژه اسرائیل را بر باد خواهد داد. جناب آقای پزشکیان شما می‌توانید ضمن رعایت پروتکل‌های رسمی، با شجاعت اعلام کنید آماده‌ه حل‌کردن مشکل ایران و آمریکا هستید. شما می‌توانید نظر اعضای شورای عالی امنیت ملی و مقامات عالی‌رتبه را برای این امر مهم بگیرید. شما می‌توانید همه‌پای مخالفان جنگ در آمریکا و ایران یادگاری از خود به جای بگذارید که بر تارک تاریخ بدرخشد. شاید خدوند شما را برای مأموریتی بزرگ و تاریخی در آزمونی سرنوشت‌ساز وارد کرده باشد؛ شاید خدوند شما را مأمور صلح و پاسداری از ایران‌زمین کرده باشد. همان خدایی که این فرصت را برای شما فراهم‌کرد که به شما کمک خواهد کرد بی‌ترس از هر دخالتی، بی‌هراس از هرگونه تهمت‌زدنی، با امید در میان‌نامهیدی‌ها ایران را به ساحل امن نجات رهنمون شوید. برخی این سخن را رؤیاپردازی خوانده‌خواند، ولی برای ایران گفت‌وگو کردن و نگذاردید دیگران با برگ ایران بازی کنند. خدوند نگه‌دار شما و ایران‌زمین باشد.

اتفاق‌خوانی

انتشار فراخوان جایزه نوفه

جایزه ادبی نوفه در دوره جدید خود، مسابقه‌ای مستقل برای داستان‌های کوتاه فارسی برگزار می‌کند. این مسابقه در سه رده «داستانک»، «داستان کوتاه» و «مانک» برگزار خواهد شد و پذیرای آثار علمی‌تخیلی، فانتزی، وحشت، ادبیات غریب و دیگر شاخه‌های ادبیات گمانه‌زن است. نویسندگان می‌توانند آثار تالیفی و منتشرنشده خود را تا تاریخ ۴ مرداد ۱۴۰۵ از طریق ایمیل submit@noofe.info برای شرکت در مسابقه ارسال کنند. برای مطالعه رویه ارسال آثار لطفا به پایگاه اطلاع‌رسانی جایزه نوفه وب‌سایت Noofe.info مراجعه کنید. آثار ارسالی براساس تعداد کلمات، در یکی از سه رده زیر قرار می‌گیرند: داستانک (Flash Fiction): از ۷۵۰ تا کمتر از ۱۵۰۰ کلمه، داستان کوتاه (Short Story): از ۱۵۰۰ تا کمتر از ۷۵۰۰ کلمه و مانک (Novelette): از ۷۵۰۰ تا ۱۷۴۹۹ کلمه. بر این اساس، آثار علمی‌تخیلی، فانتزی، وحشت، تاریخ‌بدیل، ادبیات غریب، نیوپوید، یادآرمان‌شهری، آخرالزمانی و ترکیب‌های نوآورانه این‌گونه‌ها امکان شرکت در مسابقه را دارند. آثار واقع‌گرایانه‌ای که فاقد عناصر یا رویکرد گمانه‌زن باشند و همچنین ناداستان، جستر، خاطره و روایت مستند، در این مسابقه داوری نخواهند شد. داستان‌های ارسالی باید نوشته‌شده و نویسنده باشند و پیش از این، چه به‌صورت مستقل، چه در قالب کتاب یا مجموعه‌داستان و چه در پلتفرم‌های انتشار الکترونیکی، منتشر نشده باشند. هیئت داوران این دوره را سروش روح‌بخش، مهدی بنواری، رضا بهرامی، متین ایزدی و فرزین سوری تشکیل می‌دهند؛ ترکیبی از نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و مدرسانی که تجربه‌های متفاوتی در داستان‌نویسی، ادبیات گمانه‌زن و روایت‌های میان‌رسانه‌ای دارند.